



یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های فرهنگ و هنر

هنرمندان عرصه موسیقی درباره زوایای مختلف زندگی هنری استاد شجریان می‌گویند

شجریان در میانه سیاست و هنر



عکاس: وحید خداده/فرهنگینگان

روند فعالیتش به خوبی آشنا هستند به این مساله اشاره دارند که شجریان در زمره هنرمندانی است که اهمیت زیادی به زوایای پیدا و پنهان موسیقی نواحی می‌دهد و حتی در سال‌های گذشته در جریان سفرهایی که به استان‌های مختلف داشته، با واکمن صدای هنرمندان این مناطق راضی‌پ کرده و در عین حال، گوش شنوایی برای شنیدن کلابه‌ها، درد دل‌ها و مشکلات آنها در حیطه موسیقی نواحی بوده است. از سوی دیگر، هنرمندانی که با آنها گفت‌وگو کرده‌ایم بر این باورند که شجریان، خودش را تافته‌ای جدا یافته از جامعه نمی‌داند و نسبت به رویدادهای اجتماعی سیاسی فرهنگی کشورش بی‌اعتنا نیست. البته نظرات در مورد اظهارات سیاسی شجریان در سال ۸۸، متفاوت بود. برخی معتقد بودند بهتر بود شجریان نسبت به رویدادهای سیاسی وقت، موضع‌گیری مستقیمی نشان نمی‌داد و البته برخی، نظر دیگری داشتند. اما آنچه بین همه هنرمندان به عنوان نظر واحد وجود دارد اینکه جایگاه هنری او از طرف اهل سیاست، قابل‌مصادره نیست. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگو با هفت نفر از اهالی فرهنگ و هنر است و تلاش شده است با رجوع به کارنامه ارزشمند هنری محمدرضا شجریان، با تعدادی از موسیقیدانان که برخی از شاگردان استاد بوده‌اند و برخی از همکارانش، مولفه‌های موسیقایی این استاد موسیقی را بیش از گذشته مورد واکاوی قرار گیرد.

با این حال، نمی‌توان بسط‌امی را قیچی برای استاد شجریان قلمداد کرد، ولی برخی بر این باورند صدای بسط‌امی از خیلی جهات با صدای دیگر شاگردان استاد متفاوت بوده و می‌توانسته جایگاه ویژه‌ای در حیطه آواز ایرانی داشته باشد. منتها مساله‌ای که در این باره وجود دارد اینکه خود زنده‌یاد بسط‌امی هم نخواست به تقلید صرف از استاد شجریان بپردازد؛ بلکه تمایل داشته شیوه خود را در آواز ایرانی ارائه دهد. شاید یکی از ضعف‌های استاد شجریان در این نکته است که شاگردانش هیچ‌گاه بهتر از خود او نشده‌اند؛ در عین حال همواره نقد‌هایی نسبت به شیوه تدریس او وارد است. چندان که برخی بر این باورند او جز همایون از هیچ کدام از شاگردانش تمجید نکرده است. در حالی که به شخصه بر این باورم ما در موسیقی آقازادگی نداریم و همه شاگردان نزد استاد به مثابه فرزندان او قلمداد می‌شوند. هر چند استاد شجریان یک‌بار پیش از این، از شاگردش علی جهاندار خواننده موسیقی سنتی هم تعریف کرده بود، ولی بعد از آن از تنها شاگردی که از او نام برد و از او تعریف کرده بود همایون شجریان بود، در حالی که همایون هم بعد از اوج گرفتن در فعالیت موسیقی به آن شکلی که باید مکتب پدر را ادامه نداد. به‌شخصه معتقدم مجوز گرفتن برای آثار و اجراهای استاد شجریان هیچ‌گاه در طول این سال‌ها چیزی از محبوبیت و جایگاهش کم نکرده است. در کنار این دیدگاه بر این باورم‌ای کاش همان‌طور که استاد شجریان در اوایل انقلاب خود را از بازی‌های سیاسی کنار کشیده و به‌طور کلی وارد سیاست نشد، در سال ۸۸ هم خود را وارد آن مسائل نمی‌کرد. به نظر من اظهارنظرهایش در سال ۸۸ باعث شد تا او از جریان اصلی کارش دور شود، چرا که آن اظهارنظرها باعث شد برخی از افراد جامعه مقابلش قرار بگیرند و این با روح هنر سنتی همخوانی نداشت، چون هنر سنتی همواره در تلاش است احاد جامعه را زیر یک چتر قرار بدهد. این درحالی است که اظهارنظرهای استاد شجریان در آن مقطع زمانی تا حدودی رادیکال و تند هم بود. بنابراین معتقدم به همان اندازه که او نباید در سال ۸۸

هنرمند هیچ‌گاه نمی‌تواند سیاسی باشد
برندیا کیاراس اهنکساز
خاطرم هست بعد از کنسرت «هوای گریه» که در سال‌های اخیر به خوانندگی همایون شجریان برگزار کردیم، استاد به پشت صحنه آمد و از نحوه اجرا در آن کنسرت تعریف بسیار کرد و به این مساله اشاره کرد که این کنسرت در ردیف کیفی‌ترین برنامه‌های موسیقایی قلمداد می‌شود. آنچه مسلم است اینکه هنرمندانی نظیر شجریان، جلیل شهناز، حسن کسایی و... دیگر هرگز تکرار نمی‌شوند و عواملی باید دست به دست هم بدهند تا هنرمندانی مانند این چهره‌ها بار دیگر بر طلیعه موسیقی معاصر بدرخشند. همیشه معتقدم ضرورت دارد تندیس شخصیت‌های برجسته‌ای چون شجریان ساخته و در میادین پایتخت نصب شود. در این سال‌ها اگر هم حمایت و توجهی نسبت به هنرمندان موسیقی صورت گرفته از جانب خود آنها بوده است. در حالی که اگر حمایت هنرمندان از یکدیگر نبود، هنرمندان در انزوا قرار می‌گرفتند و مجبور بودند در اسنپ کار کنند. هنرمندانی مثل استاد شجریان هیچ‌گاه متعلق به خودشان نبوده و نیستند. آنها به ملت و فرهنگ ایران تعلق دارند؛ ضمن اینکه هنرمند هیچ‌گاه نمی‌تواند سیاسی باشد، چون همواره در تلاش است از رگداز آثاری که ارائه می‌دهد به نوعی صدای جامعه باشد. بنابراین باید آرزو کرد ای کاش اگر هم قرار است هنرمندانی چون محمدرضا شجریان، متولد شوند، در کشور دیگری به دنیا بیایند.

محمدرضا شجریان، هنرمندی که فعالیت جدی‌اش در موسیقی را از دهه ۴۰ شروع کرد و در طول سال‌های مختلف کاری، به مدد آثاری که ارائه داد چه در قالب اجراهای صحنه‌ای و چه در زمینه انتشار آلبوم، توانست نظر مخاطبان زیادی را به خود جلب کند. پای صحبت برخی از هنرمندان پیشکسوت که شجریان را از نزدیک می‌شناسند می‌نشینیم؛ افسوس می‌خورند که چرخ روزگار این روزها مطابق سلامتی او نمی‌چرخد. شجریان اگرچه سال‌ها برای اعتلا و سرافرازی موسیقی سنتی قدم‌ها برداشت و تلاش‌ها کرد، ولی این روزها به دلیل مسائل جسمی به نوعی خانه‌نشین شده است. آن دسته از هنرمندانی که با زوایای پیدا و پنهان آثار او و همین‌طور رنگ‌آمیزی صدای ماندگارش به خوبی آشنا هستند به این نکته اشاره می‌کنند که شجریان نقطه عطفی در موسیقی اصیل ایرانی قلمداد می‌شود و دلسوزانه با تلاشی خستگی‌ناپذیر در این وادی از هیچ کوششی برای بلند آوازه کردن موسیقی ایرانی دریغ نکرده است. صحبت درباره محمدرضا شجریان بسیار است و به‌طور قطع در مقال‌اندکی چون صفحات روزنامه‌ها نمی‌گنجد. برخی از هنرمندانی که سال‌هاست از نزدیک او را می‌شناسند و با

اظهارات سیاسی شجریان
او را از جریان اصلی کار خود دور کرد
بیروز ارجمند، مدیرکل پیشین دفتر موسیقی و اهنکساز
شناخت من از استاد به ۳۰ سال قبل برمی‌گردد. او همواره به عنوان الگویی متعالی برای من بود. ارادت من به استاد شجریان تا اندازه‌ای بود که در سال‌های گذشته به نگارش کتابی درباره او پرداخته‌ام. این کتاب «پدیدارشناسی استاد شجریان» نام دارد و نگارش آن هشت سال به طول انجامیده است. تلاش کرده‌ام درجریان نگارش این کتاب درباره مکتب‌های مختلف آوازی این هنرمند تحقیق کنم. آنچه برایم مهم است اینکه حین نگارش کتاب به تئوری جامعی درباره این استاد آواز ایران نرسیده‌ام مبنی بر اینکه شجریان در طول سال‌های فعالیت خود تلاش کرده مولفه معاصرین را در آثارش رعایت کند. من در این کتاب هم چنین اندیشه و آثار او را از جنبه‌های روان‌شناسی بالینی و موقعیت اجتماعی مورد واکاوی قرار داده‌ام. زمانی که در وزارت ارشاد مدیرکل دفتر موسیقی بودم، تلاش زیادی کردم تا آثار استاد مجوز بگیرند و از طرفی مجالتی برای فعالیت صحنه‌ای او نیز فراهم شود. اگرچه در آن دوره، تازه بیماری استاد شروع شده بود و حتی تعداد برگزاری کنسرت‌هایش در خارج از کشور هم به تعداد معدودی رسیده بود. با این حال یکی از آلبوم‌های استاد مجوز نشر گرفت؛ آلبومی که استاد شجریان با همکاری پرویز مشکاتیان در اجرایی زنده در خارج از کشور انجام داده بود و متعلق به سال ۷۰ بود. اگرچه بعدها به دلیل اختلافی که میان او و زنده‌یاد مشکاتیان به وجود آمد، مشکاتیان آهنگ‌های این اثر را در اختیار ایرج بسط‌امی قرار داد تا او به جای شجریان این آثار را بخواند. بنابراین می‌توان گفت این اثر جزء معدود آثاری بوده که به خواست اهنکساز، دو خواننده خوانندگی آن را خوانده‌اند؛ آن‌هم در شرایطی که همه می‌دانستند ایرج بسط‌امی یکی از شاگردان استاد شجریان بوده است.

شجریان در زمان حیاتش تبدیل به اسطوره شده است
علی‌دهباشی سردبیر نشریه «بخارا»
بعضی از هنرمندان هستند که سال‌ها پس از نبودشان اسطوره می‌شوند و برخی در زمان حیات، این شانس و سعادت را پیدا می‌کنند که به اسطوره تبدیل شوند. شجریان در زمره هنرمندانی است که در زمان حیات خود به اسطوره‌ای نزد مردم ایران تبدیل شده است. اگرچه اسطوره بودن او یک‌شبه و به سادگی به دست نیامده است، بلکه نتیجه تمرین و ممارست پی در پی این هنرمند در طول سال‌ها فعالیت مستمر در حوزه موسیقی بوده که باعث شده او تبدیل به چهره‌ای منحصر به فرد شود. بنابراین جا دارد از شجریان بیاموزیم چگونه می‌شود از بسیاری چیزها گذشت تا به جایگاهی متعالی در هنر رسید. از شجریان باید بیاموزیم چگونه باید نسبت به بسیاری از جذابیت‌های ظاهری بی‌اعتنا بود تا به اعتلایی ماندگار رسید. از شجریان باید بیاموزیم که چگونه می‌شود در هنر به بیشترین قانع نبود. من به واسطه فعالیت‌هایی که سال‌هاست در عرصه فرهنگ و هنر این مملکت انجام می‌دهم با استاد شجریان برخورد‌های نزدیک، زیاد داشته‌ام، ولی آخرین دیدار مربوط به زمانی بود که در نشریه «بخارا»، شب استاد فرهاد فخرالدینی را برگزار کردم و استاد شجریان نیز در کنار سایر هنرمندانی که به این مراسم دعوت شده بود در این شب حضور یافته بود.

شجریان گوش‌شنوای هنرمندان موسیقی نواحی بود
حسن‌ناهدید پیشکسوت‌نی‌نواز
سابقه‌آشنایی من با شجریان به سال ۱۳۴۱ برمی‌گردد؛ به‌خصوص در رادیو که دامنه فعالیت و همکاری من با یکدیگر بیشتر شد. شاید بتوان گفت من در کنار هنرمندان دیگری چون علی‌اصغر بهاری، غلامحسین بیگجه‌خانی، ناصر افتتاح و... از جمله هنرمندانی بوده‌ام که همکاری‌های مشترکی با استاد شجریان داشته‌ام. به‌شخصه نزدیک به ۱۴ آلبوم این بین‌آلبوم «شب‌های نیشابور» به دلیل مولفه‌هایی که داشت در ذهنم بیشتر از بقیه باقی‌مانده است. من در طول سال‌های گذشته، برای برگزاری کنسرت در کشورهای دیگر همراه شجریان سفر کرده‌ام. یکی از این سفرها، کنسرتی بوده که به مناسبت سالروز تولد مولانا، چندین سال پی‌درپی به همراه استاد شجریان در قونیه اجرا کرده‌ایم. می‌توان گفت کنسرت‌هایی که در قونیه به مدد آواز محمدرضا شجریان برگزار کرده‌ام از بهترین برنامه‌هایی بوده که در این سال‌ها در خارج از کشور برپا کرده بودیم. استقبال زیادی نسبت به کنسرت‌هایی که در کنار شجریان در قونیه برپا کرده‌ایم صورت گرفته، به‌طوری که این کنسرت‌ها را در طول دو سه متوالی ادامه داده‌ایم. مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توان درباره استاد شجریان گفت این است که او هنرمندی به واقع پرکار و زحمتکش برای حفظ اصالت‌های موسیقی سنتی بوده است. به‌خصوص اینکه در طول سال‌های فعالیت خود هیچ‌گاه از تحقیق و پژوهش در آثار موسیقیدانان گذشته کوتاهی نکرده است. همیشه واکمنی در دست داشت و حین سفر به شهرهای مختلف ایران، صدا و اساسا حرف‌های هنرمندان موسیقی نواحی را ضبط می‌کرد. خیلی‌ها در این سال‌ها تلاش کرده‌اند به لحاظ شیوه‌آواری سبک استاد شجریان را تقلید کنند، در حالی که اگر می‌بینیم امروز هنرمندانی چون بنان، ادیب‌خوانساری و شجریان نام‌شان در تاریخ موسیقی معاصر می‌درخشد، فقط به این خاطر بوده که از کسی در عرصه هنر تبعیت نکرده و تلاش کرده‌اند به سبک و شیوه شخصی خود دست یابند.

اعتراض شجریان به عدم کپی‌رایت باعث شد رینا پخش نشود
داود گنج‌های قائم‌مقام‌خانه موسیقی وردیدگان
شجریان یکی از قدیمی‌ترین دوستان و همکاران من در عرصه

موسیقی به شمار می‌رود، به‌طوری که سابقه دوستی ما به نیم‌قرن پیش برمی‌گردد. مهم‌ترین مولفه استاد شجریان، طلبه بودن اوست. آنچه من در این سال‌ها از او دیده‌ام و شناخته‌ام این بوده که شجریان همواره در حال یادگیری بوده است؛ چه در فستивال‌های مختلفی که در آنها حضور می‌یافت، چه در رادیو و تلویزیون و چه زمانی که به استان‌های مختلف کشور سفر می‌کرد تا به شناسایی هنرمندان موسیقی نواحی بپردازد و از صحبت‌های آنها بیشتر استفاده کند. همیشه یک ضبط همراهش بود و صحبت‌های هنرمندان موسیقی نواحی را ضبط می‌کرد. بنابراین آنچه می‌توانم بیش از سایر مسائل درباره استاد شجریان به آنها اشاره کنم این است که او هرگز از آموختن دست‌برداشت؛ چه حین تدریس به شاگردانش و چه در حال درس گرفتن. آنچه برایم بیش از سایر مولفه‌ها اهمیت بیشتری دارد این است که استاد شجریان از زمانی که پایه عرصه موسیقی اصیل ایرانی گذاشته تا امروز همواره پاسدار راستین این حیطه بوده است. او از خانواده‌ای متدین در مشهد متولد شد، پدرش و خودش قاری قرآن بوده‌اند. او جز اشراف در شاخه موسیقی، در حیطه‌های دیگر هنر هم ید طولایی داشت که از جمله آنها می‌توان به اشرافش به خوشنویسی اشاره کرد. در عین حال کمتر هنرمندی را نظیر استاد شجریان دیده‌ام که در انتخاب شعر که می‌خواهد آن را بخواند اینقدر دقیق و مسلط عمل کند. این امر نشان از تسلط او نسبت به حیطه ادبیات فارسی نیز دارد. تاسیس خانه موسیقی با همکاری هنرمندانی چون شجریان، من و دیگر هنرمندان شکل گرفت. با این حال، استاد شجریان در طول سال‌های فعالیتش در خانه موسیقی یکی از فداکارترین اعضا بود و هنوز هم به شکل افتخاری رئیس شورای عالی خانه موسیقی است. آنچه شجریان همیشه درباره خانه موسیقی به آن اشاره می‌کند این است که بر این باور است با وجود آنکه سالیان هنرمندان متفاوت است، ولی خانه موسیقی به عنوان یک نهادوان‌جی‌وایباید به قوت خود باقی بماند و به حیاتش ادامه بدهد. اگرچه برخلاف استاد شجریان این روزها از خانه موسیقی دلگیرم و احساس می‌کنم به‌طور کلی عنایتی که باید نسبت به موسیقی در کشور است و آن، اینکه او هنرمندی است که دل در گرو مردم سرزمینش دارد و این آثار را صرفاً برای آنها خوانده است. اگرچه سیاسی‌بونی بوده‌اند که در این سال‌ها بی‌رحمانه او مورد قضاوت قرار داده‌اند. یکی از دلایلی که باعث شد رینا او از صداوسیما پخش نشود، این بود که او به مساله کپی‌رایت آثار هنرمندان اعتراض کرد و آنهاپی که تاب این انتقاد سازنده را نداشتند، رینا را وارد صداوسیما حذف کردند. غافل از اینکه شجریان نه در این دوره که هیچ‌گاه حذف‌شدنی نیست. نون صدای او به اندازه‌ای منحصر به فرد است که می‌توان گفت بعد از انقلاب، هیچ کس چنین صدایی را از هنرمندی نشنیده است. به این خاطر است که از یک زاویه به‌خصوص نمی‌توان این استاد مسلم آواز ایرانی را مورد تحلیل و بررسی قرار داد و معتقدم تا دنیا هست، صدایش ماندگار خواهد بود.

شجریان فقط متعلق به جناح مردم است
وحیدناح، خواننده موسیقی سنتی
واژ شاگردان استاد شجریان
تأثیری که استاد بر موسیقی آواری ایران گذاشت بر کسی پوشیده نیست. فعالیت‌های استاد شجریان در ساز و به‌خصوص آواز گسترده است و هنوز هم که هنوز است بسیاری از هنرجویانی که در رشته آواز تعلیم می‌گیرند تمایل دارند از شیوه او تبعیت و پیروی کنند. یکی از مهم‌ترین آرزوهای استاد شجریان این بود که تا جایی که می‌تواند ساز و آواز ایرانی را سرپا نگاه دارد. به نظر من تلاش‌هایی که در این حیطه انجام داده از هر نظر قابل‌تأمل و ارزشمند است، ولی متأسفانه به دلایلی او و برخی دیگر از استادانی چون ایرج، گلپا و... در سال‌های گذشته کمتر مجالتی برای خواندن در مجامع عمومی را پیدا کرده‌اند. درواقع از زمانی که خلأ فعالیت این استادان در عرصه موسیقی مواجه شده‌ایم، شاهد کنسرت‌های پاپ هستیم که اساساً با اهدافی که بزرگان برای موسیقی اصیل ایرانی در ذهن داشته‌اند مغایرت دارد. تا زمانی که استادانی نظیر شجریان فعالیت داشته‌اند، راه درست در عرصه موسیقی به جوانان این عرصه نشان داده می‌شد. با این حال هیچ جناح خاصی نمی‌تواند هنرمند را به نفع فعالیت‌ها و اهداف خاص خود مصادره کند. بدیهی است هنرمند فقط متعلق به یک جناح است که آن هم جناح مردم است. همان‌طور که استاد شجریان متعلق به این جناح است. در عین حال او هنرمندی است که به واسطه مولفه‌هایی که دارد همه جناح‌ها صدایش را در قالب آثاری که منتشر می‌کند گوش می‌دهند.

تلاش سیاسیون برای مصادره شجریان بی‌نتیجه ماند
عبدالحسین مختاباد، خواننده موسیقی سنتی و استاد دانشگاه
اساساً معتقدم هر هنرمندی که به عرصه هنر وارد می‌شود در شروع کار خود سه مرحله پیش‌روی دارد؛ اولین مرحله زمان ورود آن هنرمند به عرصه هنر است که متأثر از هنرمندان دوره‌های پیشین خود قرار دارد. دومین مرحله زمانی است که هنرمند در حیطه کاری خود به خلاقیت و اشراف می‌رسد. آخرین مرحله نیز ناواری و ابداع است. می‌توان گفت استاد شجریان از زمانی که فعالیت خود را به شکل رسمی در حیطه موسیقی آغاز کرد یعنی از سال ۴۵ تا سال‌های ۵۲ تحت تأثیر استادانی چون غلامحسین بنان، اکبر گلپا و... بود. مرحله دوم کاری او به زمانی برمی‌گردد که در گروه «نشدید» با زنده‌یاد محمدرضا طلیعی به همکاری پرداخته است. در آن برهه استاد شجریان به نوعی به درجه از نبوغ و خلاقیت خود در موسیقی دست یافته بود و توانست به‌عنوان آوازخوانی منحصر به‌فرد نزد دیدگاران جلوه کند. می‌توان گفت در این دوره او به درجه‌ای در آواز ایرانی رسیده بود که دیگر نتنها از هنرمندان دوره‌های قبل خود تأثیر نمی‌گرفت بلکه به سبک و شیوه شخصی خود رسیده بود و حتی در این زمینه ابداع هم کرد. به این ترتیب از دهه ۶۰ تا ۷۰ آثار بی‌نظیری از استاد شجریان منتشر شد که نمونه‌های آن را تا پیش از این کمتر می‌توان در وادی موسیقی اصیل ایرانی سراغ داشت. شجریان بی‌تردید در زمره هنرمندانی قرار دارد که از گذشته تا امروز همواره تب جامعه را درک کرده و به فراخور فراز و فرودهای سیاسی اجتماعی کشورش، آثاری را ارائه کرده است. به‌طوری که می‌توان گفت او هنرمندی است که همواره جذب حداکثری بوده است. با این حال از سال ۷۵ و به‌طور مشخص ۸۰ به بعد، آثار چندان شیوایی از این هنرمند نشنیده‌ایم، شاید چون در این دهه‌ها دیگر آهنگسازان خوبی به قیاس با دوره‌های گذشته وجود نداشته‌اند، شاید به این خاطر که جامعه در این برهه زمانی دست‌خوش پاره‌ای رنجش‌های سیاسی اجتماعی شده و از همه مهم‌تر شاید در فاصله سال‌هایی که به آن اشاره کرده‌ام اثر شیوایی از او ارائه نشده و به این خاطر بوده که در آن زمان تازه به چنین بیماری‌ای مبتلا شده بود. آنچه مسلم است اینکه وقتی جامعه در تب‌وتاب است هنرمند نمی‌تواند دوست رافاتقشعی را جداقتنه بداند، بنابراین طلیعی است که در غلیان‌های سیاسی-اجتماعی، هنرمند هم لاجرم به سمت‌وسویی کشیده می‌شود؛ این فقط مختص کشور ما نیست، در همه جای دنیا، چهره‌های معروف در هر شاخه هنری در معرض توجه جناح‌ها قرار می‌گیرند. اگرچه شجریان هنرمندی بوده که غیرمستقیم موضع‌گیری سیاسی داشته است. نمونه بارز این مساله را می‌توان در اواخر دهه ۵۰ دید. اما از آنجایی که او هنرمندی زیرک بود، هیچ‌گاه به‌طور مستقیم وارد جناح خاصی نشد. کم‌اینکه تا سال‌های ۶۵ که با گروه «چاووش» همکاری داشته، به دلیل آنکه اعضای آن گروه عضو حزب توده بوده‌اند از «چاووش» جدا شده و به این مساله اشاره کرده که نمی‌خواهم بلندگوی سیاسی جناح خاصی باشم. من متعلق به مردم هستم. در سال‌های اخیر هم اگرچه نیروهای سیاسی تمایل داشته‌اند تا او را به‌عنوان یک هنرمند به نفع خود مصادره کنند، ولی عملاً او تحت تأثیر این جناح‌ها قرار نگرفت، طلیعی هم بود که از این مساله امتناع کند، چرا که اگر تحت تأثیر جناح خاصی از سیاسیون قرار می‌گرفت، درواقع به هنر خودش خیانت کرده بود.